

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه: حسینی، ابراهیم، ۱۳۴۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: چند دقیقه با موسیقی / نویسنده سید ابراهیم حسینی.
 مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۱.
 فروست: رهنما؛ ۷۱.
 شابک: 978-600-6543-42-0
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 بادداشت: کتابنامه .
 موضوع: اسلام و موسیقی
 شناسه افزوده: آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 رده بندی کنگره: BP/۲۳۲۲/۱۳۹۱۸۲/۹ج۴۵ح/
 رده بندی دیوبی: ۴۸۷۸/۳۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۲۷۲۷۴



۷۱ → چند دقیقه با موسیقی

نویسنده: سید ابراهیم حسینی

آستان قدس رضوی

چاپ سوم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمد حسین پورامینی

ویراستار: سید حمید حیدری ثانی

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی

طراح جلد: علی بیات





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش‌رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



چند دقیقه با موسیقی

این کتابچه فرصتی است تا با هم درباره نگاه اسلام به موسیقی بیندیشیم. به دنبال پاسخ این گونه سؤال‌ها هستیم:

؟ چرا اسلام با موسیقی مخالف است؟ بدی موسیقی چیست؟

؟ آیا اسلام شادی ستیز است؟ تعریف اسلام از شادی چیست؟

؟ نظر ائمه علیهم‌السلام و قرآن درباره موسیقی چیست؟

؟ آیا از نظر اسلام، موسیقی حلال هم وجود دارد؟ چگونه باید حلال و حرامش را

تشخیص دهیم؟

؟ به جای گوش دادن به موسیقی، چه کنیم؟



۱. درآمد

شادی و نشاط، از مسائل مهم دوره جوانی است. لازمه بهداشت روانی در دوره جوانی، رفع افسردگی است. کم نیستند افرادی که موسیقی را بهترین راه رهایی از غم و افسردگی و باعث نشاط و شادابی می‌دانند.

به تعبیر مقام معظم رهبری، موسیقی هنری دقیق و جزء بخش‌های دانش ریاضی است. هنر موسیقی، محاسبه متکی به طبیعت و فطرت بشری است که خرد انسان، آن را براساس تجربه، محاسبه کرده است و برای آن، قواعدی گذاشته است. لذا هنر موسیقی، تلفیقی است از دانش و اندیشه و فطرت خدایی. به گفته مولوی، موسیقی صدای انعکاس افلاک است. مهم این است که این هنر را در راه خدا و رضای او به کار بگیریم. هنر و موسیقی متعالی به طور کلی با موسیقی مبتذل بیگانه است. اما مشخصه‌های آن کدام است؟ آیا هر موسیقی که موجب شادی و نشاط شود، مبتذل است یا ملاک‌های دیگری دارد؟



روشن است که اسلام هر نوع شادی را حرام و ممنوع نمی‌داند. شادی و نشاطِ ناشی از موسیقی چگونه؟ آیا هر نوع موسیقی از نظر شرع حرام است؟ اگر نه، پس کدام نوع موسیقی حرام است؟ چرا؟ آیا موسیقی همان آوازخوانی است یا نه؟ آیا موسیقی واقعاً باعث شادی و از بین رفتن غم می‌شود؟ آثار روحی و روانی و فردی و اجتماعی موسیقی چیست؟ به دلیل همین سؤالات، موسیقی از دیرباز موضوع بحث و کاوش فقهی و روان‌شناسی و اجتماعی قرار گرفته است.



۲. تعریف و اصطلاحات

۱.۲. موسیقی

موسیقی واژه‌ای یونانی به معنای نوع و کیفیت نوازندگی است. موسیقی هنری است که از تنظیم و ترکیب صداها به وجود می‌آید و زیبایی آن را برحسب سازگاری با روح شنونده و اثرش در ذهن او می‌سنجند. به آهنگ‌هایی که با ابزار موسیقی و متناسب با قواعد آن ایجاد شود، نُت می‌گویند. موسیقی دو گونه است:

۱.۱.۲. موسیقی طبیعی

عبارت است از نغمه جویبارها، صدای آبشارها، نوای پرندگان، وزش بادهای ملایم در میان درختان و... این گونه نواهای طبیعی، نموده‌های مستقیم واقعیت‌هایی است که در جریان اند و غالباً مسرت‌بخش است. این نوع موسیقی، سازگار با روح و فطرت انسان است و به‌همین دلیل، دلنشین و خوشایند و آرامش‌بخش است. اسلام نیز این نواهای طبیعی را



می‌ستاید. در این نوشتار، دربارهٔ این نوع موسیقی صحبت نمی‌کنیم.

۲.۱.۲. موسیقی هنری

آهنگ‌هایی است که بشر آن‌ها را با وسایل مصنوعی، مثل تار، سنتور، پیانو، ویلن و گیتار و... می‌سازد. آهنگ‌های مصنوعی، زیر و بم و ارتعاشات و تحریکات گوناگونی دارد که گاه می‌خنداند و گاه می‌گریاند؛ گاه به حد افراط نیروی نشاط را در آدمی تحریک می‌کند و زمانی او را سخت در غم و اندوه و گاه دیگر، در بهت و حیرت می‌برد؛ همچنان که گاه اندیشه‌های منطقی او را به خیالات و پندارها تبدیل می‌کند. موضوع بحث ما تنها موسیقی هنری است.

۲.۲. غنا

موضوعی که در کنار موسیقی باید دربارهٔ آن بحث کنیم، غنا و آوازخوانی است.



۱.۲.۲. تعریف غنا

غنا به معنای شیوه‌ای از خوانندگی است که در آن، صدا بالا و پایین برده شود، مثل سرود و آواز خوش. بعضی آن را به صوتی تفسیر کرده‌اند که با ترجیع و کیفیت خاصی ادا شود و طرب‌انگیز باشد. غنا از دیدگاه فقهی عبارت است از آوازی که از حنجره آدمی بیرون آید و در گلو چرخانده شود (چه‌چه‌زدن) و در شنونده حالت سرور ایجاد کند؛ به طوری که مناسب مجلس لهُو و خوش‌گذرانی باشد.

۲.۲.۲. تعریف لهُو

هر سخن یا رفتار یا آهنگ سرگرم‌کننده و غفلت‌زا که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می‌کشاند. طبق روایات، موسیقی غنایی و الحان و آهنگ‌های شهوت‌انگیز و هوس‌آلود از مصادیق روشن لهُو است. مقام معظم رهبری در توضیح لهُو می‌فرمایند: «لهُو یعنی غفلت،



دورشدن از ذکر خدا و معنویت، دورشدن از واقعیت‌های زندگی، دورشدن از کار و تلاش و فروغلتیدن در ابتذال و بی‌بندوباری. تفاوتی ندارد این کیفیت در موسیقی کلامی باشد یا در سازها و موسیقی بی‌کلام.»

نتیجه آنکه موسیقی با نواختن آلات طرب ایجاد می‌شود و به آن نوازندگی می‌گویند؛ ولی غنا کیفیت صدای انسان است و در تحقق آن، وجود آلات موسیقی شرط نیست و به آن خوانندگی می‌گویند.



۳. نظر اسلام درباره موسیقی و غنا

فقها براساس آیات قرآن کریم و روایات، حکم موسیقی در اسلام را با عنوان «حکم غنا در اسلام» و «حکم آلات لهو» مطرح کرده‌اند. موسیقی و آوازخوانی به‌طور کلی دو نوع است:

۱.۳. موسیقی غنایی و مطرب

هرگونه آهنگی است که به‌لحاظ شکل یا محتوا، همراه با مضامین لهوی است و موجب تحریک شهوت و فساد اخلاق و انحراف ذهن می‌شود و متناسب با مجالس گناه است، مانند ترانه‌های عاشقانه و اشعاری که در وصف زن و شراب است، یا موجب ترویج باطل می‌شود. این‌گونه موسیقی، گاه آرامش‌بخش و تخدیرگونه برای اعصاب دارد و گاه هیجان‌های ناهنجار برای روان و غفلت از یاد خدا و پرده‌پوشی عقل، از آثار نمایان آن است.

فقها از جمله شهید دستغیب، غنا را یکی از گناهان کبیره دانسته‌اند؛ چنان‌که در روایتی از امام صادق علیه السلام به آن تصریح شده است. امام باقر علیه السلام نیز غنا را از گناهانی برشمرده است



که خدا برای آن وعده عذاب داده است. طبق احادیث فراوان، هر گناهی که برای آن وعده عذاب داده شده است، گناه کبیره محسوب می‌شود.

۲.۳. موسیقی غیر غنایی و غیر مطرب

همچون صوت قرآن، موسیقی عرفانی، مارش‌های حماسی، آواز حُدی (برای حرکت‌دهی حیوانات) و حتی موسیقی مناسب برای رشد گیاهان. این نوع موسیقی می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز انسان باشد و با اجراهای متنوع، جانشین موسیقی غنایی شود.

قرآن کریم نثری هماوا دارد و این، یکی از ابعاد اعجاز قرآن است. از تشویقی که شنوندگان برای آهنگین و نیکوخواندن قرآن می‌کنند، دلنشین بودن و مسرت‌بخش بودن آن مشخص می‌شود. برای بهره‌مندی بیشتر از کلمات و به‌منظور به‌دست‌آوردن آرامش روانی و صفای دل، به‌طور طبیعی، به صوت دلنشین قرآن نیازمندیم. به‌همین جهت، تلاوت قرآن با صدای نیکو، مستحب و محبوب خدای متعال است. غزلیات و اشعار عرفانی معنایی پُر جاذبه دارند.

شنیدن و زمزمه آن‌ها با صدای خوش، آرامش‌بخش و آگاهی‌ساز است و می‌تواند جانشین مناسبی برای موسیقی غنایی باشد.

بنابراین هر نوع موسیقی و آهنگ و هر صدا و لحن دلنشین در اسلام حرام نیست. برخی آهنگ‌ها به لحاظ محتوا و نوع ریتم، از آهنگ‌های حرام نیستند و گوش کردن به آن‌ها اشکال ندارد. از نظر شرع، تنها موسیقی و آوازی حرام است که طرب‌انگیز و مناسب مجالس لهو و خوش‌گذرانی و عیاشی باشد، یعنی انسان را به شهوت تحریک کند و او را در اثر شدت سرور و شادمانی یا حزن، سبک و سبک‌سر کند. البته اگر حتی صوت قرآن یا مداحی‌های مذهبی را نیز با این آهنگ غنایی و طرب‌انگیز و مناسب مجالس لهو بخوانند، حرام است. همان‌طور که مراجع دینی فرموده‌اند، ملاک در حرمت، شاد یا غمناک بودن موسیقی نیست؛ بلکه ملاک، مطرب‌بودن یا نبودن آن است.

در استفاده از آهنگ‌های مجاز نیز لازم است اعتدال را رعایت کنیم. افراط در گوش کردن

به موسیقی مجاز و عرفانی باعث می‌شود که انسان نتواند تمرکز داشته باشد و برای ذهن مضر است. علامه جعفری در این باره می‌فرماید: «اگر هم فرض کنیم گوش دادن به موسیقی‌های مجاز ممنوع نباشد، با این کار، حداقل باید گفت قدم بر روی نوار باریکی گذاشتیم که یک طرف آن قطعاً قلمروی ممنوعیت و حرمت می‌باشد و چون نفس آدمی لذت‌طلب است، لذا تدریجاً قانون را پایمال می‌سازد.»

می‌توان به‌عنوان نظر قطعی اسلام دربارهٔ موسیقی گفت: خواندن یا نواختن حرام است که آثاری مثل بی‌پروایی کردن در ارتکاب گناه داشته باشد، به‌طوری‌که در برخورد با گناه اصلاً یاد خدا وجود نداشته باشد یا یاد خدا آن‌قدر ضعیف باشد که اثر نداشته باشد تا شخص را از گناه باز بدارد. هر نوع موسیقی اگر ضعیف‌کنندهٔ ایمان باشد، حرام است.

از مجموع آیات و روایات فراوان در حد تواتر استفاده می‌شود که غنا و موسیقی حرام، هم برای خواننده و نوازنده و هم برای شنوندهٔ آن‌ها حرام و مضر است. مالی که نوازنده و

خواننده از این راه به دست می آورند، حرام است و کسی که آن مال را می دهد، مرتکب گناه زشتی شده است. کسی که از این گناهان پرهیز کند، در آخرت به نعمت های بهتری می رسد.

۴. علت ممنوع بودن موسیقی در اسلام

علتی که برای ممنوعیت موسیقی در منابع اسلامی ذکر شده است، لهو و لعب است. با توجه به این علت، کاملاً روشن می شود که اسلام می خواهد انسان در این دنیا خود را در مقابل هیجان های پا در هوا، نبازد و اختیار خود را از دست ندهد.

با شیوع موسیقی در غرب، دوران بیماری های روانی و فساد اخلاقی فرا رسیده است. اگر انسان ها به این اندازه به موسیقی مشغول نمی شدند و با واقعیت ها روبه رو می شدند، مسلماً بسیار بیشتر راه پیشرفت و رشد را می پیمودند. بلی، نغمه خوب پدیده ای منطقی است. نمی خواهیم لذت های احساس را محکوم کنیم؛ می خواهیم انسان ها اسیر احساسات خود



نشوند تا اندیشه کردن در واقعیات را از آنها بگیرد و شخصیت آنها را منفعل (پذیرا) نه خلاق تربیت کند.

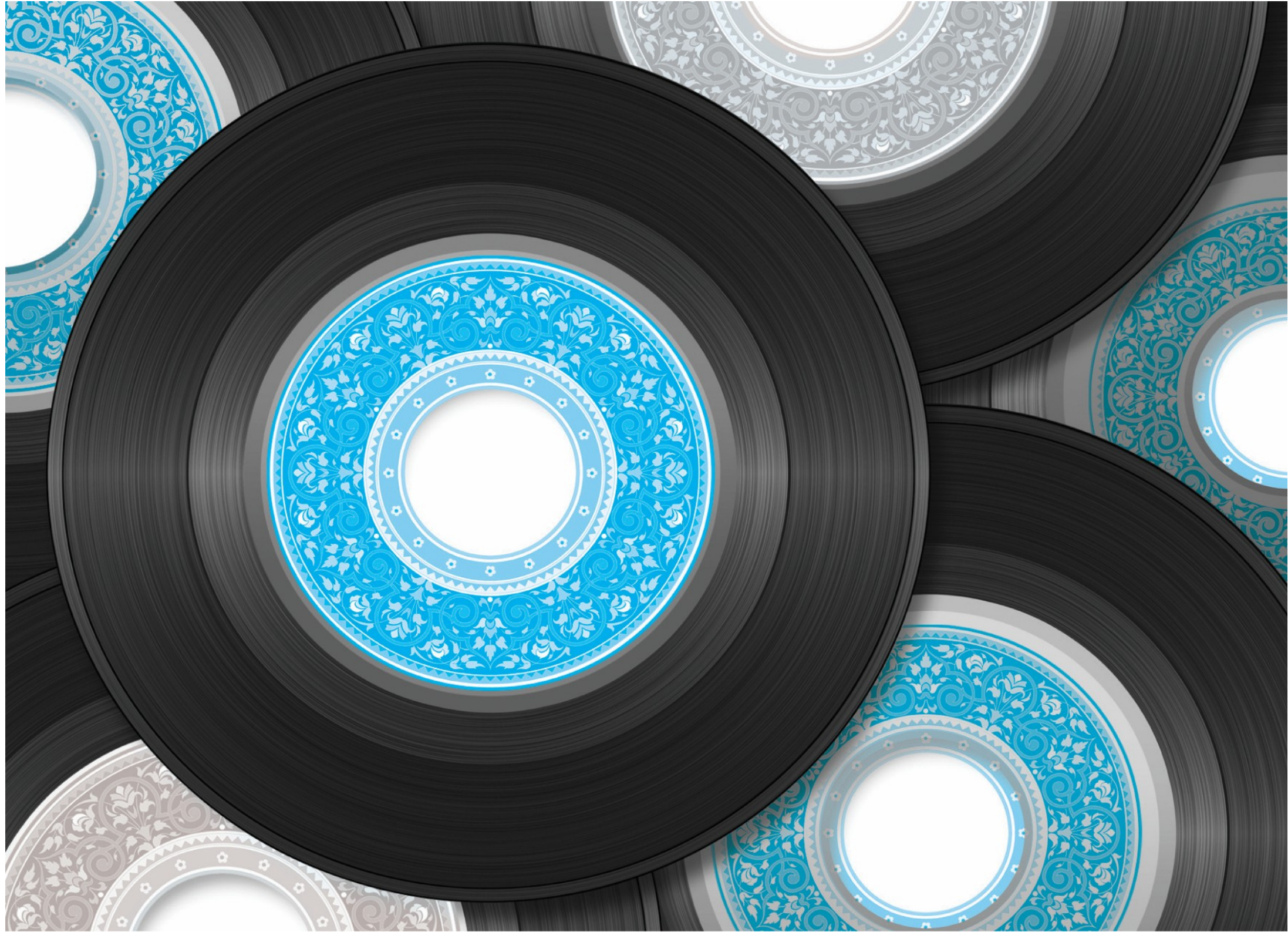
مطلب نهایی ما درباره موسیقی این است که این زندگی محدود می‌تواند با عالی‌ترین فعالیت‌های مادی و روحی پر شود. این زندگی را نباید در لهُو که شبحی از آرزوهای شکست‌خورده است یا در حماسه و تحریک خدایی سپری کرد که درعین حال لذت‌بخش است.

۵. ملاک‌های تشخیص موسیقی حرام

موسیقی اگر انسان را به بیکاری، ابتذال، بی‌حالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی و امثال این‌ها بکشاند و از معنویت و یاد خدا غافل کند و به گناه و شهوت‌رانی تشویق کند، حرام بوده، حرکت کردن در خلاف هدف آفرینش است. دلایل حرمت موسیقی و آوازخوانی لیهوی بدین شرح است:

۱.۵. مخترع موسیقی و غنا

گاهی خوبی و بدی چیزی را از طریق شناخت مخترع و بنیان‌گذار آن می‌توان به‌دست آورد. یعنی اگر عملی به‌وسیلهٔ شخصی محترم یا با سفارش او بنیان گذاشته شود یا رواج یابد، معلوم می‌شود آن عمل، پسندیده و موجب نزدیکی به خداوند است. همچنین اگر عمل و سنتی به‌وسیلهٔ شخصی خبیث بنیان گذاشته شود، در می‌یابیم که آن عمل، ناپسند و باعث دوری از رحمت خداوند است.



درباره حرمت موسیقی و غنا، دهها دلیل وجود دارد. بر فرض که هیچ دلیلی هم بر مبعوضیت آنها وجود نداشته باشد، از همین راه می‌توان ناپسندی آنها را به دست آورد. براساس دلایل موجود، موسیقی و غنا به وسیله شیطان ملعون اختراع شده است و در طول تاریخ به وسیله افراد غیرمتعهد و بی‌مبالات به دین، مانند سلاطین جور و مأموران فاسق آنان رواج یافته است. به بعضی روایاتی اشاره می‌کنیم که بیانگر اختراع موسیقی و غنا توسط شیطان ملعون است:

۱.۱.۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «آنگاه که حضرت آدم علیه السلام وفات کرد، شیطان و قابیل که دشمن او بودند، خوشحال شدند. هر دو در محلی جمع شدند و به نشانه شادی برای مرگ آدم و سرزنش او، آلات موسیقی ساختند و نواختند. پس هرگونه آلات موسیقی که روی زمین باشد و مردم از آن لذت ببرند، از نوع همان چیزی است که شیطان و قابیل

اختراع کرده‌اند.»^۱

۲.۱.۵. از رسول اکرم ﷺ دربارهٔ غنا روایت شده است: «شیطان نخستین کسی است که آوازخوانی کرد و... هنگامی که آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ از (میوه) درخت خورد، شیطان آواز خواند و...»

۲.۵. آیات قرآن

به آیات فراوانی بر حرمت موسیقی و آوازخوانی لاهی استناد کرده‌اند، از جمله:

۱.۲.۵. ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ وَ إِذَا تُلِيَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لِيَ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنِهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (= و برخی از مردم سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی‌هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را به ریشخند گیرند. برای آنان، عذابی خوارکننده خواهد بود. و چون آیات ما بر آنان خوانده شود،

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۳، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۰۰، ح ۵.

با نخوت روی برمی گردانند، چنان که گویی آن را نشنیده‌اند [یا] در گوش‌هایشان سنگینی است. پس آنان را از عذابی پُر درد خبر ده.)^۱

فضل بن حسن طبرسی می گوید: «به عقیده اکثر مفسران، منظور از 'لهوالحدیث' غنا است... و هر چیزی که انسان را از راه خدا و اطاعت او باز دارد؛ از قبیل کارهای باطل، ملاحی (آلات لهو و لعب)، معازف (پیانوها) و... همه این‌ها در عنوان لهوالحدیث قرار می‌گیرد.»^۲

سعید حوی پس از نقل دیدگاه عده‌ای از مفسران صدر اسلام که همگی لهوالحدیث را به غنا تفسیر کرده‌اند، می گوید: «به هر حال می‌فهمیم که لهوالحدیث با گمراهی از راه خدا ارتباط دارد؛ یعنی هر چیز گمراه‌کننده، از مصادیق لهوالحدیث است؛ اعم

۱. لقمان، ۷۶.

۲. مجمع‌البیان، ج ۸ و ۷، ص ۳۱۳.

از اینکه غنا باشد یا سخن کفرآمیز؛ خواه به صورت قصیده و شعر باشد یا قصه و... شکی نیست که هر کس در این زمینه فعالیت کرده، مال خود را در این راه خرج کند، از جمله گمراه‌کنندگان و از مصادیق «لِیْضَلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» است.^۱

آیت‌الله مکارم‌شیرازی گفته‌اند: «لهو الحدیث شامل هرگونه سخن یا آهنگ سرگرم‌کننده و غفلت‌زا که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می‌کشاند، در بر می‌گیرد؛ خواه از قبیل غنا و الحان و آهنگ‌های شهوت‌انگیز و هوس‌آلود و یا مانند داستان‌های خرافی و اساطیر (افسانه‌ها) که سبب انحراف مردم از صراط مستقیم الهی می‌گردد.»^۲

در تفسیر خواجه‌عبدالله انصاری چنین آمده است: «ابن عباس و مجاهد گفتند:

۱. الاساس فی التفسیر، ج ۸، ص ۴۳۱۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۵.

لَهُوَ الْحَدِيثُ غَنَا وَ سُرُودِ فَاسِقَانِ اسْتِ دَرِ مَجْلِسِ فَسَقٍ. ۱

در حدیث صحیح^۲ محمد بن مسلم می گوید: «از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: ﴿الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ، وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»﴾ (= غنا از گناهی است که خداوند درباره آن تهدید به آتش کرده است. و آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ...﴾ را تلاوت فرمود.)^۳

از این بیان نورانی امام علیه السلام روشن می شود که این آیه از دلایل حرمت غنا است. همچنین از این حدیث استفاده می شود که غنا و موسیقی از گناهان کبیره است؛ چرا که علما معتقدند هر گناهی که برای آن وعده عذاب داده اند، گناه کبیره است.

۱. کشف الاسرار، ج ۷، ص ۴۸۶.

۲. «صحیح» حدیثی است که همه راویان آن شیعه دوازده امامی اند و از طرف علمای رجال توثیق شده اند.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۵، ابواب ما یکتسب به، باب ۹۹، ح ۶.

۲.۲.۵. ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ (= پس از پلیدی بت‌ها دوری کنید و

از گفتار باطل اجتناب ورزید).^۱

مرحوم طبرسی می‌نویسد: «قول زور، یعنی کذب و دروغ... و اصحاب ما (امامیه) روایت کرده‌اند که غنا و هر سخن لهو و بازدارنده از یاد خدا، از مصادیق قول زور است.»^۲ در حدیث صحیح هشام، از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه آمده است که فرمودند: (الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرَجِ وَقَوْلَ الزُّورِ الْغِنَاءِ) (= مراد از رجس اوثان، شطرنج است و منظور از قول زور، غنا و آوازخوانی است).^۳

۱. حج، ۳۰.

۲. مجمع‌البیان، ج ۷ و ۸، ص ۸۲.

۳. وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۰، ابواب ما یکتسب به، باب ۹۹، ح ۲۶؛ علمای رجال همه راویان سند این حدیث را توثیق کرده‌اند.

ابن حزم می‌گوید: «روزی در منزل خودم به توالت رفتم. کنیز همسایه به خوانندگی و نوازندگی مشغول بود. کمی درنگ کردم تا صدای او را بشنوم؛ سپس بیرون آمدم. همان روز هنگامی که آفتاب غروب کرد، به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. وقتی امام علیه السلام مرا دید، فرمود: ﴿الْغِنَاءُ الْغِنَاءُ، اجْتَنِبُوا الْغِنَاءَ، اجْتَنِبُوا وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ حضرت چند بار این کلمات را تکرار کرد؛ به اندازه‌ای که متوجه شدم امام از راه غیب، از عمل من آگاه شده است و می‌خواهد مرا موعظه کند. چنان از عمل زشت خودم شرمنده شدم که مجلس برای من تنگ شد. هنگامی که از مجلس بیرون آمدم، به یکی از دوستان آن حضرت به نام مُعْتَبَ گفتم: «به خدا سوگند، منظور حضرت از این کلمات، کسی جز من نبود.»^۱

در حدیث صحیح، حماد بن عثمان می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام معنای قول زور را پرسیدم.

۱. امالی شیخ طوسی، ص ۷۲۰ و ۷۲۱، مجلس ۴۳، ح ۳.



فرمود: ﴿مِنْهُ قَوْلُ الرَّجُلِ لِلَّذِي يَغْنَى: أَحْسَنْتَ﴾ (= یکی از مصادیق قول زور این است که شخصی با گفتن احسنت یا آفرین و... آوازخوان را تشویق کند).^۱

از این حدیث صحیح استفاده می‌شود که تشویق لفظی خواننده با گفتن أَحْسَنْتَ و آفرین و مرحبا و همچنین تشویق عملی، مانند پول دادن و... حرام است. همچنین روشن می‌شود که خوانندگی و نوازندگی به طریق اولی حرام است و عذابش شدیدتر است.

۳.۲.۵. ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾ (= و

وقتی لغوی بشنوند، از آن روی برمی‌تابند و می‌گویند: «کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شماست. سلام بر شما، جویای [مصاحبت] نادانان نیستیم.»^۲

امین‌الاسلام طبرسی در تفسیر آیه می‌گوید: «مراد از لغو هر نوع کردار و گفتار بی‌فایده

۱. همان، ح ۲۱.

۲. قصص، ۵۵.

و بی‌اهمیت و چیزهای زشت و ممنوع است که باید از آن‌ها دوری کرد.» او پس از نقل سخنانی در بیان مصداق لغو می‌گوید: «و فی روایهٔ آخری، إِنَّهُ الْغِنَاءُ وَ الْمَلَاهِی» (= در روایت دیگر، مراد از لغو، غنا و آوازخوانی و استعمال آلات موسیقی است).^۱

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی در حدیثی آمده است: ﴿الْغَوُ الْكِذْبُ وَ اللَّهْوُ وَ الْغِنَاءُ وَ هُمُ الْأُمَّةُ یَعْرِضُونَ عَنْ ذَلِكَ كُلِّهِ﴾ (= مراد از لغو در این آیه، دروغ و لهو و غناست و منظور از دوری‌کنندگان از آن، امامان هستند که از همهٔ این کارها دوری می‌کنند).^۲

در تفسیر نمونه، پس از نقل مطلب بالا از تفسیر قمی می‌نویسد: «پیداست که هر دو قسمت حدیث از قبیل بیان مصداق روشن است؛ و گرنه لغو، مفهوم گسترده‌ای دارد که غیر این‌ها را نیز شامل می‌شود و دوری‌کنندگان از لغو نیز همهٔ مؤمنان راستین هستند؛ هر چند

۱. مجمع‌البیان، ج ۸ و ۷، ص ۹۹.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۱.



امامان در صف مقدم جای دارند.»^۱

۴.۲.۵. ﴿وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدُّهُمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ (= و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی‌دهد).^۲

ابوبکر جابر جزایری در تفسیر این آیه می‌نویسد: «بصوتک ای بدعائک ایاهم إلی طاعتک و معصیتی بأصوات المزامیر و الأغانی و اللهو.» طبق این تفسیر، معنای آیه چنین می‌شود: «خداوند به شیطان می‌فرماید: هر کدام از مردم را که می‌توانی با صدای موسیقی و صدای خوانندگان و لهویات دیگر به سوی معصیت من و طاعت خودت تحریک و دعوت کن.» وی

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۱۴.

۲. اسراء، ۶۴.

در ادامه مطلب می‌گوید: «از این آیه، استفاده می‌شود که خوانندگان و نوازندگان با همه آلات لهو و کسانی که در مجالس آن‌ها حاضر می‌شوند، از لشکریان شیطان هستند که با آدمیان می‌جنگند.»^۱

علامه‌امینی در کتاب شریف الغدیر از نه کتاب تفسیر اهل سنت نقل کرده است که ابن عباس گفته است: «إنه الغناء و المزامیر و اللهو» (= مراد از صوت شیطان در این آیه، خوانندگی و نوازندگی و کارهای لهو است).^۲

۵.۲.۵. ﴿وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (= و چون دادوستد یا سرگرمی‌ای ببینند، به‌سوی آن روی آورند و تو را درحالی که ایستاده‌ای، ترک می‌کنند. بگو: «آنچه نزد خداست، از سرگرمی و از دادوستد بهتر است و

۱. ایسر التفاسیر، ج ۳، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

۲. الغدیر، ج ۸، ص ۶۹.



خدا بهترین روزی دهندگان است.»^۱

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید: «مضمون روایاتی که از طریق شیعه و سنی نقل شده است، در این جهت متفق است که کاروانی از تجّار، در روز جمعه هنگام نماز که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشغول خطبه نماز جمعه بود، وارد مدینه شد و به منظور اعلام ورود خود، طبل و دهل زد. مردم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در حال خطبه رها کردند و به طرف کاروان رفتند. این آیه به همین مناسبت نازل شد. پس مراد از لهو در این آیه، استعمال طبل، دهل، دایره و سایر آلات طرب به قصد جمع شدن مردم است.»^۲

۳.۵. روایات

به روایات فراوانی بر حرمت موسیقی و آوازخوانیِ لهوی استناد کرده‌اند. مجموع روایات

۱. جمعه، ۱۱.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۷۴.



دربارهٔ غنا و موسیقی به پنج دسته تقسیم می‌شود که از هر دسته، چند روایت را برای نمونه نقل می‌کنیم:

۱.۳.۵. ممنوعیت غنا و آواز خوانی

۱. امام باقر علیه السلام: «همین که می‌دانی غنا از امور باطل است، برای تو کافی است که از آن دوری کنی.»^۱

۲. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «غنا افسون و مقدمهٔ زنا است.»^۲

۳. امام صادق علیه السلام: «غنا موجب نفاق و دورویی می‌شود و فقر و نیازمندی به دنبال می‌آورد.»^۳

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۷۵۸.

۲. جامع احادیث الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۳۴، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۹، ح ۲۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۹، ابواب ما یکتسب به، باب ۹۹، ح ۲۳.

۲.۳.۵. مذهب بودن موسیقی و ممنوع بودن آلات آن

۱. امام سجاد علیه السلام: «پاک و سعادت مند نمی‌شوند ملتی که در میان آنان بربط^۱ به صدا درآید.»^۲

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «فرشتگان رحمت در خانه‌ای وارد نمی‌شوند که در آن، شراب یا دف^۳ یا طنبور یا نَرْد باشد؛ دعای ساکنان آن مستجاب نمی‌شود و برکت از آنان

۱. بربط یا عود یا رود، سازی زهی است که در خاورمیانه و کشورهای عربی رایج است و از قدیمی ترین سازهای شرقی است. تَنبُور یا طنبور یکی از سازهای زهی است که در آن سیم‌ها از روی دسته‌ای بلند و کاسه‌ای عبور کرده‌است و با ضربه انگشتان به صدا درمی‌آید. به نظر می‌رسد اقسام تارها چه آنهایی که داخل جعبه‌ای چوبی اند، مثل بربط و چه آنهایی که تارهایش نمایان است، مثل طنبور و دیگر تارها همه داخل در موضوع این نهی باشند، همانطور که در روایاتی دیگر به طنبور اشاره شده است.

۲. همان، ص ۳۱۳، باب ۱۰۰، ح ۴.

۳. دف، یکی از سازهای کوبه‌ای در موسیقی ایرانی است. این ساز شبیه به دایره ولی بزرگ‌تر از آن است. در کتاب‌های لغت در معنی دف یا دایره می‌نویسند: آن چنبری است از چوب که بر روی آن پوست کشند و بر چنبر آن حلقه‌ها آویزند.



برداشته می شود.»^۱

۳.۳.۵. نکوهش خواننده و نوازنده

۱. امام صادق علیه السلام: «زن خواننده و کسی که از درآمد او مصرف کند، ملعون و مطرود از رحمت خداست.»^۲

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «خداوند در قیامت به پنج طایفه نظر نمی کند و یکی از آنان آوازخوان است.»^۳

۳. امام صادق علیه السلام: «پست ترین فرد کسی است که شراب بخورد و ساز بزند.»^۴

در قدیم برای آنکه طنین بهتری داشته باشد روی دف پوست آهو می کشیدند.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۸، ابواب ما یکتسب به، باب ۷۹، ح ۱۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۱، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۵، ح ۴.

۳. جامع احادیث الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۳۳، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۹، ح ۱۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۴، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۰۰، ح ۱۱.

۴.۳.۵. ممنوع بودن گوش دادن به غنا و موسیقی

۱. پیامبر ﷺ: «گوش دادن به لهُو (موسیقی) و غنا، باعث رویش نفاق می‌شود؛ همان‌گونه که آب، گیاه را می‌رویاند.»^۱
۲. پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام وصیت فرمودند: «یا علی، سه چیز موجب قساوت قلب می‌شود: گوش دادن به لهُو، دنبال شکار رفتن، رفت‌وآمد در دربار سلطان ستمگر.»^۲
۳. پیامبر اکرم ﷺ: «کسی که در مجلس زن خواننده بنشیند تا به آوازخوانی وی گوش دهد، خداوند در گوش‌های او سرب خواهد ریخت.»^۳

۱. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۲۱، ح ۴۰۶۷۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۴، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۰۰، ح ۸.

۳. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۲۰، ح ۴۰۶۶۹.



۲۷

چند دقیقه با موسیقی

۵.۳.۵. لزوم پرهیز از غنا و موسیقی و پاداش اخروی آن

پیامبر اکرم ﷺ: «کسی که در دنیا گوش خود را از موسیقی پر کند، حق ندارد صدای روحانیان (قاریان اهل بهشت) را بشنود.»^۱

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۱۴.





۶. تأثیرهای شوم موسیقی در وجود انسان

اینک به بعضی از مفسده‌ها و آثار زیان‌بار خوانندگی و نوازندگی (غنا و موسیقی) که علت صدور حکم شرعی حرمت برای آن است اشاره می‌کنیم: از بین رفتن تعادل و توازن اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک، مرض مانی،^۱ کوتاهی عمر، ضعف اعصاب، اختلالات مغزی و هیجانات روحی و جنون، عوارض قلبی، خودکشی، فشارخون، فحشا، تضعیف و از بین رفتن شنوایی، تضعیف و از بین رفتن بینایی، هیجان، از بین رفتن اراده و شکست خوردن، از بین رفتن غیرت، جنایت، اتلاف وقت.^۲

با ذکر نمونه‌ای تاریخی، به اثر منفی و شوم موسیقی در دریده‌شدن پرده حیا و عفت و از بین رفتن اراده انسان اشاره می‌کنیم. مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد: «در زمان

1. Manie

۲. محمدتقی جعفری، موسیقی از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری.



عبدالملک یا یکی دیگر از خلفای بنی‌امیه که لهو و موسیقی خیلی رایج شده بود، به خلیفه خبر دادند که فلان کس، خواننده است و کنیز زیبایی دارد که او هم خواننده است و تمام جوان‌های مدینه را فاسد کرده است. اگر به کار او نرسید، این زن تمام مدینه را فاسد می‌کند. خلیفه دستور داد که غل به گردن آن مرد انداختند و آن‌ها را به شام بردند. وقتی در حضور خلیفه نشستند، آن مرد گفت معلوم نیست که آنچه او می‌خواند، غنا باشد و از خلیفه خواست که خودش امتحان کند. خلیفه دستور داد که کنیز بخواند. او شروع به خواندن کرد. کمی که خواند، دید سر خلیفه تکان می‌خورد. کم‌کم به جایی رسید که خود خلیفه شروع کرد به چهار دست و پا راه رفتن و می‌گفت: 'بیا جانم، بر این مرکب خودت سوار شو!' واقعاً موسیقی قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای، مخصوصاً از جهت پاره کردن پرده تقوا و عفت دارد. از حرمت موسیقی نمی‌توان مبارزه اسلام با ذوق و هنر را نتیجه گرفت. اسلام مخالفتی با جمال و زیبایی و هنر و حس زیبایی دوستی ندارد؛ بلکه این حس را تأیید هم کرده است.

در اصول کافی بابی داریم با عنوان «الزی و التجمّل». تجمّل یعنی خود را زیباکردن. در حدیثی این گونه داریم: «انّ الله جمیلٌ یحبُّ الجمال» (= خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد).^۱ و از همه مهم‌تر، زیبایی بیان است که در اسلام در حد اعلائی به آن توجه شده است. اعجاز اسلام یا دست کم یکی از معجزاتش، زیبایی کلام قرآن است.^۲

۱. اصول کافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

۲. برگرفته از: مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۷۰ تا ۷۳.



۷. پیامدها و ضررهای موسیقی طبق آیات و روایات

غضب خداوند؛ افسردگی و ناامیدی؛ نفاق و فقر؛ لانه نفاق؛ مقدمه بلاهای خطرناک؛ مقدمه کارهای خلاف اخلاق (تحریک انسان به شهوات)؛ عامل خباثت؛ از امور باطل؛ از بین رفتن روحیه غیرتمندی در اهل موسیقی (به دلیل فرورفتن در تخیلات و اوهام و غوطه‌ور شدن در شهوات)؛ بدبختی جامعه؛ مانع ورود ملائکه؛ دوری از رحمت خداوند؛ عامل پستی؛ قبول نشدن دعای اهل موسیقی؛ قبول نشدن نماز اهل موسیقی؛ روسیاهی در محشر؛ نفرین طنبور بر نوازنده‌اش؛ مقدمه قساوت قلب؛ بندگی و پرستش شیطان.^۱

۱. برگرفته از: روایات معصومان علیهم‌السلام به استناد منابع پیشین.



۸. پاسخ به چند پرسش

۱.۸. نیاز انسان به شادابی و نشاط چگونه بر آورده شود؟ بالاخره روح انسان به موسیقی و آهنگ‌های خوش نیاز دارد؟

هم نیازهای انسان و هم شادی ناشی از برآورده شدن آن، مراتبی دارد. هر مرحله از نیازهای واقعی انسان که پاسخ مناسب گرفت، به شادی همان مرحله منتهی می‌شود و هم‌زمان با آن، نیازهای دیگر انسان بیدار می‌شوند و به دنبال پاسخ در خور می‌گردند. در سطوح بالاتر نیازهای انسانی، به جایی خواهیم رسید که غیر از دوست داشتن خدا و تلاش برای نزدیکی به او و رسیدن به کمال، چیز دیگری نمی‌خواهیم. پاسخ به این خواست و نیاز، شادی خاصی برای ما به‌ارمغان می‌آورد. این شادی خیلی عمیق‌تر و بیشتر از شادی‌های ابتدایی انسان است.

ابوعلی سینا نیز در این باره می‌نویسد: «آهنگ خوش، آن مقدار که حکمت لازم می‌شمارد،



جوهر نفس آدمی را تقویت می‌کند و قوای باطنی او را تمرکز می‌بخشد؛ نه آن آهنگی که امور شهوانی را در انسان تحریک می‌کند.» آنچه باید به این سخن بیفزاییم، این است که در پاسخ به نیازها و علاقه‌مندی‌های خود، باید اولویت‌بندی و انتخاب آگاهانه کنیم تا در مسیر حیات معقول حرکت کنیم. آنچه در گزینش‌ها مهم می‌نماید، این است که رابطه هرچیز و هر رفتار را با کمال نفسانی انسان بسنجیم.

از آنجاکه کمال مطلق، خداست، هرچه انسان را از خدا دور سازد، یقیناً باعث خسارت‌کردنش خواهد شد؛ همچنان که قرآن کریم خطاب به این دسته می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ﴾ (= و آن روز که آن‌هایی را که کفر ورزیده‌اند، بر آتش عرضه می‌کنند، [به آنان می‌گویند: «نعمت‌های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان [خودخواهانه] صرف کردید و از آن‌ها برخوردار شدید. پس امروز به [سزای] آنکه در زمین

بناحق سرکشی می‌کردید و به‌سبب آنکه نافرمانی می‌کردید، به عذاب خفت [آورا] کیفر می‌یابید.»^۱ در این آیه، سخن از کسانی است که با گناه‌کردن، تمام سرمایه‌های وجودی خود را هزینه و مصرف کرده‌اند و سرمایه‌ای برای زندگی ابدی خود ندارند که همان زندگی حقیقی آن‌هاست؛ پس باید در آتش قهر الهی عذاب شوند.

به‌همین دلیل، امیال و کشش‌های فطری را باید در مسیر قرب الی الله و حیات طیبه جهت‌دهی کرد تا به‌طور صحیح شکوفا شوند. علاوه‌بر آنکه اگر بر فرض ثابت شود موسیقی آثار مثبتی در نفس دارد، این اثر به‌صورت عمیق و ماندگار نخواهد بود.^۲

همان‌طور که استاد شهیدمطهری فرموده‌اند، باید توجه کرد که: «خیلی چیزها فایده‌هایی بر وجودشان مترتب است؛ ولی این‌ها جای چیزهایی را اشغال کرده‌اند که اگر آن‌ها می‌بودند،

۱. احقاف، ۲۰.

۲. محمدتقی جعفری، موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، ص ۱۲۰.

فواید خیلی بیشتری مترتب می‌شد... ما نمی‌توانیم به سبک ویلیام جیمز (بنیان‌گذار مکتب پراگماتیسم^۱) بیندیشیم که هر چیزی که یک اثر مفید داشته باشد، پس حق است... هرگز شما نمی‌توانید به صرف اینکه یک شیء آثار مفیدی داشته باشد، آن را صحیح و واقعی و از جانب خدا بدانید.»

بحثی که این روزها برای جوان‌ها مطرح است، این است که آیا با رقص و آواز و موسیقی هم می‌توان به شادی دست پیدا کرد؟ این سؤال گاهی اوقات حالت انتقادی هم به خود

۱. پراگماتیسم یا عمل‌گرایی، به معنای فلسفه اصالت عمل است؛ ولی در سیاست بیشتر واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی معنا می‌دهد. طرفداران این شیوه، خود را عمل‌گرا و متسامح می‌دانند. مخالفان، این گروه را میانه‌رو یا محافظه‌کار می‌خوانند. از دیدگاه پراگماتیسم، تمام تصورات، مفاهیم، قضاوت‌ها و دیدگاه‌های ما قواعدی برای «رفتار» (پراگمای) ما هستند؛ اما «حقیقت» آن‌ها تنها در سودمندی عملی آن‌ها برای زندگی ما نهفته است. از دیدگاه پراگماتیسم، معیار حقیقت، عبارت است از سودمندی، فایده، نتیجه؛ نه انطباق با واقعیت عینی. در واقع، حقیقت هر چیز به وسیله نتیجه نهایی آن اثبات می‌شود. دولتمردان و سیاستمداران «پراگماتیست» کسانی هستند که امکانات عملی و مصلحت روز را بر معتقدات خود مقدم می‌شمارند و به عبارت دیگر، برای پیشرفت مقاصد خود و ماندن بر مسند قدرت، انعطاف نشان می‌دهند.



می‌گیرد و این‌گونه عنوان می‌شود که تفکر رایج دینی و اجتماعی، جلوی شادی‌های جوانان را گرفته است.

گرچه رقص و آواز و... نمادی از شادی است، آیا این‌ها باعث احساس شادی می‌شود یا شادی واقعی را به دنبال دارد؟ حقیقت این است که شادی‌ها دو دسته‌اند: شادی‌های گذرا و شادی‌های پایدار. به عبارت دیگر، شادی‌ها زمانی سازنده‌اند و زمانی مخرب. در بینش اسلامی و در روان‌شناسی، این بحث مطرح است که شادی وقتی سازنده و پایدار است که با اختیار و خودآگاهی و هدف عالی همراه باشد. اعتیاد به بعضی چیزها، مثل مواد مخدر و موسیقی و...، حالتی را برای انسان پیش می‌آورد که مسائل اطرافش را فراموش می‌کند. چه بسیار انسان‌هایی که برای فرار از واقعیت‌های زندگی، به این امور پناه می‌برند. مولانا تعبیر زیبایی دربارهٔ علت کار این افراد دارد:

تا دمی از هوشیاری وا رهند
ننگ خمر و زمر بر خود می‌نهند



به هر حال، اگر تفریح و شادی ما گریز از خودی به بی خودی باشد، آن را نمی توان شادی پایدار و واقعی دانست. این، نشاط ناپایداری است که دقایقی چند دوام نخواهد داشت. نشاطی است که فقط چهره شخص را می پوشاند. خنده ای است که از گریه غم انگیزتر است. نکته دیگر اینکه این شادی های گذرا، مثل داروهای نیروزا هستند. آدم ناتوان وقتی می بیند با تکیه بر توان خود در مسابقه به جایی نمی رسد، دوپینگ می کند. این مواد نیروزا آثار جسمی بدی در شخص ایجاد می کنند. سوم اینکه استفاده از مواد نیروزا پس از کشف شدن، آبروی آدم را هم می برد. استفاده از ابزارهای نادرست کسب شادی نیز مثل استفاده از داروهای نیروزا است که سرانجام، به غم و افسردگی منتهی می شود.

ناپایداری این قبیل شادی ها را نمی توان انکار کرد؛ مانند خیلی از لذت ها و شادی هایی که ما در زندگی از آن بهره مند شده ایم و می شویم. اما دلیل کاذب بودن این شادی ها این است که موسیقی و رقص و آوازهای جمعی را نمی توان پاسخی به نیازی انسانی قلمداد

کرد و لذت ناشی از آن را حقیقی دانست. از این رو، جوان‌های بسیاری را دیده‌ایم که پس از لحظه‌های غافل‌کننده شادی‌های کاذب، زانوی غم در بغل گرفته‌اند و گریه کرده‌اند و در حالت بحرانی، به خودکشی دست زده‌اند. علت این است که چنین افرادی، وقتی به خود آمده‌اند و غوغای رقص و آواز را تمام‌شده یافته‌اند، باز خودشان را با همه ضعف‌ها و واقعیت‌های تلخ زندگی روبه‌رو دیده‌اند که قصد فرار از آن را داشتند.

۲.۸. ملاک تشخیص شادی‌های واقعی و کاذب چیست؟

در قرآن، تعبیر زیبایی درباره دنیا و آخرت وجود دارد که می‌تواند پاسخ خوبی به این سؤال باشد. قرآن تفاوت آخرت را با دنیا این‌گونه بیان می‌کند: ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾
 آخرت دو خصوصیت دارد که دنیا از آن بی‌بهره است: در آخرت هم خیر است و هم تداوم. بر همین اساس، می‌توانید امور دنیایی را از امور آخرتی تشخیص بدهید. شادی ناشی از مواد مخدر و رقص و آواز که نه خیری در آن است و نه تداومی دارد، براساس فلسفه الهی، از



مقولات دنیوی است.

همان طور که از این تعبیر زیبای قرآنی پیداست، دنیا در اینجا به معنای هر چیزی است که ما را از خدا غافل کند و به امور غیر مفید و زودگذر بکشانند. در این میان، کار دین این است که ما را از ظواهر دنیا و لذت‌های آنی‌اش جدا کند و به امور متعالی و پایدار فراخواند. بر این اساس، هر عملی که این اختیار و آگاهی را افزایش دهد که عامل جدایی انسان از حیوان است، برای انسان سالم و در جست‌وجوی تکامل، مفید و مطلوب خواهد بود. متقابلاً هر عاملی که جلوی این اختیار و آگاهی را بگیرد، عامل منفی قلمداد خواهد شد. پس راه برخورد با واقعیت‌های زندگی، پناه آوردن به این عوامل ظاهراً نشاط‌آور نیست. جوانی که به دلیل تنبلی یا بی‌برنامگی یا مشکلات شخصی یا خطای دیگران، دچار شکست تحصیلی یا شغلی یا عشقی شده است یا به هر دلیلی، در ازدواجش ناموفق بوده است، اگر انسانی سالم و واقع‌بین باشد، نباید دچار ناامیدی شود و توانایی‌هایش را فراموش کند و به

چیزهایی پناه ببرد که حقیقتاً از حل مسائل او ناتوان اند. او باید بفهمد علت شکستش چه بوده است و درصدد برخورد منطقی با آن باشد.

۳.۸. محرومیت از لذت و احساس خوش ناشی از موسیقی، چرا؟

لذت و احساس خوش ناشی از شنیدن موسیقی، دوشادوش تاریخ بشری، در تمام جوامع وجود داشته است. هریک از جوامع با در نظر گرفتن تنوع دورانیش، از نوع یا انواعی از موسیقی استفاده می کرده است و روان خود را با موسیقی نوازش می داده است.

درست است که موسیقی ما را از موجودیت حقیقی خود بالاتر می برد، ولی هنگامی که موسیقی تمام می شود، سرازیری را در خود احساس می کنیم و می بینیم سایه ای که موسیقی از ما برای ما ساخته بود و آن را بالا برده بود، اکنون شبح مصنوعی از بین رفته ای است. در این حالت، واقعیتها با همان خشونت برای ما نمودار می شوند.

در صدر اسلام، در حدود هشتاد جنگ و دفاع انجام شده است. در این جنگها نمی بینیم



که مسلمانان برای تهییج سربازان خود به موسیقی متوسل شده باشند. آن‌ها شعارهای واقعی را به‌طور دسته‌جمعی تکرار می‌کردند. در یکی از جنگ‌ها، کفار قریش این شعار را با موسیقی و هیجان رزمی می‌گفتند: «أُعل هبل، أُعل هبل» (= بلند باد هبل). مسلمانان هم درمقابل می‌گفتند: «الله أعلى و أجَلّ» (= خداوند بالا و بلندمرتبه است). شعار مسلمانان واقعیت داشت و همه به آن اعتقاد کامل داشتند.

در یکی از جنگ‌ها، دشمنان می‌گفتند: «نحن لنا العزّی و لاعزّی لکم» (= ما بت عزّی داریم؛ ولی شما ندارید). مسلمانان درمقابل آنان می‌گفتند: «الله مولانا و لا مولا لکم» (= خداوند آقای ماست؛ ولی شما آقای ندارید). با اینکه کفار، به موسیقی آن زمان برای تحریک سربازان خودی متوسل می‌شدند، مسلمانان کمترین اعتنایی به موسیقی نمی‌کردند. خلاصه، بشر به‌دلیل کمبودی که در توانایی مواجهه با واقعیت دارد، موسیقی را برای دلداری خود انتخاب می‌کند و نام آن را ضرورت می‌گذارد. به‌همین جهت است که اسلام به

موسیقی روی خوش نشان نمی‌دهد و می‌خواهد انسان‌ها در زندگی روحانی و طبیعی، با واقعیت‌ها روبه‌رو شوند؛ تا در این مواجهه، زمینه رشدشان فراهم شود.

۴.۸. آیا موسیقی سنتی و اصیل ایرانی هم حرام است؟

رهبر فرزانه انقلاب می‌فرمایند: «بعضی خیال می‌کنند که مرز موسیقی حلال و حرام، موسیقی سنتی است. نه، این‌طور نیست. آن موسیقی که منادیان دین و شرع همیشه در دوره‌های گذشته با آن مقابله می‌کردند و می‌گفتند حرام است، همان موسیقی سنتی ایرانی خودمان است که به شکل حرام در دربارهای سلاطین در نزد افراد بی‌بندوبار در نزد افرادی که به شهوات تمایل داشتند و در شهوات فرو می‌رفتند، اجرا می‌شده. این همان موسیقی حرام است.»

مرز موسیقی حلال و حرام، ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن،

غربی بودن یا شرقی بودن نیست. ملاک، همان معیارهایی است که گفتیم.^۱

۵.۸. آیا پخش موسیقی از صداوسیما جمهوری اسلامی، مجوز حلال بودن موسیقی است؟

تنوع و جذابیت در صداوسیما، شرط لازم موفق بودن آن رسانه است. البته این، نباید موجب گرایش به شیوه‌های زیان‌بخش و مخرب شود. ترویج فرهنگ غرب و استفاده ابزاری از جاذبه‌های جنبی و موسیقی‌های لهو و حرام و چیزهایی از این قبیل، نباید به بهانه جذاب کردن تلویزیون، به این دستگاه مؤثر راه یابد.

به فتوای رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: «موسیقی اگر به تشخیص بیننده و شنونده، از قسم خوانندگی و نوازندگی مطرب لهوی باشد که مخصوص مجالس لهو و گناه است، استماع آن برایش جایز نیست و صرف پخش از صداوسیما حجت شرعی برای جایز

۱. اسدالله محمدی‌نیا، بهشت جوانان، قم: نصاب، ۱۳۷۸، ص ۳۴۷.

و حلال بودن برای شنونده نیست.»^۱ این تقریباً نظر تمام فقها است. البته در جایی که شک داریم، گوش دادن به آن حرام نیست؛ گرچه خلاف احتیاط است.

۶.۸. آیا موسیقی در مجالس جشن میلاد معصومان علیهم السلام و مناسبت‌های اسلامی و ایام شادمانی جایز است؟

گاهی می‌گویند ما مسلمانان به‌ویژه پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام، موظفیم در ایام سرور پیشوایان دینی خوشحال باشیم؛ همچنان که باید در ایام حزن آنان محزون باشیم. روشن است که عزا با شادی و جشن تفاوت داشته، جشن مقتضیات خاص خود را دارد؛ از جمله استفاده از موسیقی.

آری، اظهار حزن و شادمانی هر دو خوب و نشانه ارادت به آن پاکان و پیروی از

۱. احمد شرفخانی خویی، انسان، غنا، موسیقی، انتشارات مشهور، ص ۹۹، سؤال ۶.

آنان است؛ اما مجالس سرور و شادی نیز آداب و حد و مرزی دارد که آلوده نشدن با گناه است. با نافرمانی نمی توان به خدا و اولیای الهی تقرّب جست. به همین دلیل، مقام معظم رهبری می فرمایند: «هرگونه خوانندگی و نوازندگی که متناسب با مجالس عیش و نوش و خوش گذرانی باشد، جایز نیست و از هر کاری که با شئون مساجد و حسینیه ها سازگار نباشد، باید اجتناب گردد.» حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه می فرمایند: «برپایی و شرکت در این مجالس حرام است.» حضرت آیت الله صافی گلپایگانی آن را مخالف تعالیم دینی و حرکت در مسیر فاسد کردن جامعه و نسل جوان و تحریف احکام الهی می دانند.^۱

۱. مسائل جدید از دیدگاه مراجع تقلید، ج ۲، ص ۳۶ و ۳۷ و ج ۳، ص ۷۵.

۷.۸. آیا گوش دادن به موسیقی برای فرار از گناه یا خطر بزرگ‌تر، به‌عنوان دفع افسد به فاسد جایز است؟

گاهی برخی رانندگان به‌ویژه رانندگان اتوبوس‌ها و ماشین‌های سنگین، موسیقی مبتذل پخش می‌کنند و می‌گویند اگر گوش نکنیم، خوابمان می‌گیرد و برای جان خود و مسافران احتمال خطر می‌دهیم. یا برخی افراد می‌گویند: اگر این موسیقی‌ها نباشد، جوانان به بدتر از آن، یعنی ماهواره‌ها و برنامه‌ها و مجالس بدتر، پناه می‌برند. آیا این مجوز شرعی و عقلی برای گوش دادن به موسیقی نیست؟

حضرت امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «این عذر نیست که اگر موسیقی در رادیو و تلویزیون نباشد، آن‌ها می‌روند از جایی دیگر موسیقی می‌گیرند. حالا اگر جای دیگر می‌گیرند، ما باید به آن‌ها گوش بدهیم؟! ما باید خیانت بکنیم؟! موسیقی خیانت است به



یک مملکت، خیانت است به جوان‌های ما.»^۱ حضرت آیت‌الله تبریزی می‌فرمایند: «این عذر شیطانی است و روز قیامت سزای آن را خواهند دید؛ مگر آنکه توبه کنند و می‌توانند از نوار وعظ یا قرائت قرآن استفاده کنند.»^۲

موسیقی، درمانی مقطعی برای این مشکلات است. راه‌حل عاقلانه این است که اصل آن مشکل را حل کنیم. برای مثال، اگر راننده‌ای خواب‌آلود است، باید در جایی توقف کرده، استراحت کند یا از کمک‌راننده استفاده کند. او با گوش دادن به موسیقی، هم به جسم و روان خود آسیب می‌زند؛ چون بدن خود را از استراحتی محروم کرده است که به آن نیاز دارد، و هم جان خود و مسافران را در خطر می‌اندازد؛ چون باز هم این احتمال هست که خوابش ببرد.

۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۹۷ تا ۲۰۱.

۲. شرفخانی، انسان، غذا، موسیقی، ص ۱۳۷، سؤال ۶.

۹.۸. آیا استفاده از موسیقی در مراسم مذهبی، مانند مرثیه‌خوانی و مداحی و عزاداری‌ها، استثنا شده است؟

این، کاری ناروا و از بدعت‌هایی است که افراد نادان یا بدخواه در دین گذاشته‌اند. شیخ مرتضی انصاری با بدعت‌دانستن این کار، می‌فرماید: «همان‌گونه که پیامبر ﷺ نظیر آن را خبر داده است: 'زمانی خواهد آمد که قرآن را با آلات موسیقی و با آهنگ آن می‌خوانند.'^۱ گویا کلمات پیامبر ﷺ نیز مثل آیات قرآن، درباره موضوعی وارد می‌شود و در موضوع‌های مشابه نیز جریان پیدا می‌کند.»^۲ آیت‌الله نجومی می‌افزاید: «ای کاش شیخ انصاری زنده بود تا در زمان ما، عجایبی می‌دید که به ذهن او خطور نمی‌کرد و در زمان او قابل تصور نبود.»^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۸، ابواب جهاد النفس، باب ۴۹، ح ۲۲.

۲. مرتضی انصاری، المکاسب، ج ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۲، ص ۳۱۲.

۳. الرسائل الفقہیہ، ص ۱۸۷.



حضرت امام علیه السلام می‌فرمایند: «اگر در اذان و اقامه، صدا را در گلو بیندازد و غنا شود، یعنی به‌طور آوازه‌خوانی مانند آنچه که در مجالس لهو و بازیگری معمول است، اذان و اقامه را بگوید، حرام است.»^۱ حضرت آیت‌الله بروجردی می‌فرمایند: «آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می‌باشد و اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند، حرام است.»^۲

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به‌همان‌صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده، برگزار شود.»^۳

۱. توضیح‌المسائل، مسئله ۹۲۱.

۲. توضیح‌المسائل محشی، ص ۵۹۰؛ مسئله ۲۸۲۷.

۳. مسائل جدید از دیدگاه مراجع تقلید، ج ۴، ص ۳۹.

۱۰.۸. آیا می توان با موسیقی، حالت عرفانی پیدا کرد و به خدا رسید؟ آیا در این صورت هم حرام است؟

تاریخ نشان نداده است که پیامبران و ائمه علیهم السلام و پیروان واقعی آنان، موسیقی را برای تربیت ارواح آدمیان توصیه کرده باشند. با اینکه رسالت و پیام آنان ارائه هرگونه راه تکامل برای انسان‌ها بوده است، آن پیشوایان حتی برای آسایش روانی موقت هم تمایل به گوش دادن آن‌ها از خود نشان نداده‌اند. این درحالی است که زحمات و مشکلات دنیا آنان را احاطه کرده بود.

پرسش جدی این است که اگر می‌شد از راه موسیقی به خدا رسید، چرا پیامبران و ائمه علیهم السلام چیزی نگفتند و نه تنها مانند نماز و سایر عبادات توصیه‌ای به آن نکردند؛ بلکه شدیداً آن را نکوهش کردند؟ مگر نه آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ﴿مَا مِنْ شَيْءٍ يَقْرَبُكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُمْ بِهِ﴾ (= چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک کند و

از جهنم دور کند، مگر اینکه شما را به آن دستور دادم.^۱ اگر موسیقی راهی برای رسیدن به خدا بود، پس چرا جز نکوهش و شیطانی دانستن آن، چیزی نفرمودند؟ آیا جز این سخن پیامبر ﷺ است: ﴿وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُقْرَبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ﴾ (= و چیزی نیست که شما را به جهنم نزدیک کند و از بهشت دور کند، مگر اینکه شما را از آن نهی کردم).^۲ ممکن است چنین به نظر برسد که بسیاری از شخصیت‌های بزرگ مانند فارابی و غزالی و برخی از عرفا نه تنها به موسیقی تمایل داشته‌اند، بلکه آن را می‌نواخته‌اند و به آن گوش می‌داده‌اند. پاسخ به این اعتراض نیز روشن است: عظمت و کمال شخصیت‌های بزرگ، ناشی از تمایل به موسیقی نبوده است؛ بلکه آنان با وجود برخورداری از کمال، به موسیقی هم تمایل نشان می‌دادند. مانند اینکه حقوق‌دانی عالی‌مقام، موسیقی را هم دوست داشته باشد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۵.

۲. همان.

آن موسیقی، به دانش حقوق او و مهارتش چیزی نمی‌افزاید.

کسانی می‌خواهند برای نغمه‌های موسیقی جنبهٔ ملکوتی و ماورای طبیعی در نظر بگیرند. می‌گویند غزالی گفته است: «دل‌ها و درون‌های آدمیان، خزینه‌های اسرار و معادن جواهر است.» ممکن است این عبارت اشاره‌ای باشد به اینکه موسیقی و سماع، امور نهفتهٔ الهی و ملکوتی در دل را هم به حرکت در می‌آورد.

با نگاه به مجموع جملات غزالی، مخصوصاً با توجه به تشبیه معروف «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، معلوم می‌شود که نغمه‌های موسیقی، اموری را در درون تحریک می‌کنند که بشر آن را در درون خود دارد یا اندوخته است. یعنی خود موسیقی ذاتاً چیزی به درون انسان وارد نمی‌سازد. موسیقی آن عواطفی را بر می‌انگیزاند که مربوط به جنبه‌ای از نفس آدمی است که مجاور بیرون ذات اوست. بیشتر این پدیده‌ها محصول محیط و فرهنگ (به معنای عام آن) در اقوام و ملل دنیا است و جنبهٔ ماورای طبیعی ندارد.



باتوجه به اینکه امور فطری و به ویژه آنچه جنبه ملکوتی و ماورای طبیعی دارد، در همه نفوس انسانی یکی است و مشترک میان همه جوامع است، مدعیان باید این مسئله را حل کنند که این همه اختلاف در نغمه‌ها و نواهای موسیقی اقوام و ملل دنیا چیست. این اختلاف، به اندازه‌ای است که گاهی موسیقی جامعه‌ای، برای دیگران نفرت‌انگیز و موجب ناراحتی اعصاب است. این اختلاف در نغمه‌ها و نواها، بهترین دلیل بر این مدعاست که آثار و عواطف و هیجان‌هایی که به وسیله موسیقی‌ها برانگیخته می‌شود، مربوط به ذات نفس انسان‌ها نیست که همه در آن مساوی‌اند، بلکه مربوط به آن سطح نفس آدمی است که مجاور بیرون ذات (طبیعت به معنای عام آن) است؛ مانند محیط و عناصر فرهنگی و حوادث اثرگذار در درون مردم. حتی یک نفر در موقعیت‌ها و حالت‌های روانی گوناگون، آثار و هیجان‌های مختلفی در مقابل یک نوع موسیقی از خود نشان می‌دهد.

اگر موسیقی جنبه ملکوتی و ماورای طبیعی دارد، باید هر انسانی که این نوع موسیقی



را بیشتر می‌نوازند یا بیشتر آن را می‌شنود، روحانی‌تر و ملکوتی‌تر از دیگران باشد. در واقع چنین نیست و ظرافت و لطافت و معناگرایی نفوس آدمی، ریشه‌ای فطری دارد که به‌وسیله نیک‌خواهی و اعمال نیک و تلاش در انجام‌دادن تکالیف الهی و ریاضت‌های معقول نفس که همه آن‌ها فعالیت است، نه انفعال، به فعلیت می‌رسد؛ نه با موسیقی که نخست، هوشیاری نفس را از بین می‌برد و سپس، نفس را در اختیار ضرب‌ها و فواصل و کمیت‌ها و کیفیت‌های آن‌ها می‌نهد.



۹. تفاوت ارزش موسیقی‌های روحانی و غیرروحانی

عده‌ای معتقدند موسیقی‌ها را باید تفکیک کرد:

۱. موسیقی‌هایی که موجب تأثیرها و هیجان‌های روحانی می‌شود؛
 ۲. موسیقی‌هایی که موجب برانگیختن شهوات و خودخواهی و انتقام‌جویی و سلطه‌گری و پوچ‌گرایی و بدبینی می‌شود.
- زیرا نوع اول موجب تلطیف و تقویت و اشتیاق نفس به عالم مکلوت می‌شود و این امر، مطلوب همهٔ وارستگان و تکامل‌یافتگان است. می‌گویند سماع عرفانی از این نوع است. بیشترین جذابیت و لذت موسیقی و انبساط‌آوردن آن، ناشی از ازبین‌بردن هوشیاری به واقعیت‌های درون و بیرون ذات انسان و ازبین‌بردن اختیار اوست. حتی روحانی‌ترین موسیقی، با دو حقیقت هوشیاری و اختیار سازگار نیست. این اصل را همهٔ ما می‌دانیم که هیچ حرکت ناهوشیارانه و جبری نمی‌تواند تکاملی باشد؛ اگرچه لذت و جذابیت داشته باشد.



جنبه تخدیری موسیقی را نیز باید در نظر بگیریم. اگر در حال جذبۀ موسیقی، ذکر الله اکبر را هم به زبان بیاوریم، هیجان و تأثیر موسیقی، مانع آن خواهد بود که معنای آن ذکر مقدس را به طور معین و مستقیم درک کنیم و با همه قوای مغزی و روانی متوجه آن باشیم.^۱

۱. نک: محمدتقی جعفری، موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، ص ۴۶ تا ۴۹ و ۵۴ و ۵۶ و ۵۷ و ۹۶ و ۹۷.



۱۰. توصیه بزرگان

۱.۱۰. حضرت امام خمینی علیه السلام

درباره لزوم پرهیز از گوش کردن به تَغَنّیّات^۱ می فرماید: «ای عزیز، بکوش تا صاحب عزم و دارای اراده شوی^۲ که خدای نخواسته اگر بی عزم از این دنیا هجرت کنی، انسانِ صوری بی مغزی هستی که در آن عالم، به صورت انسان محشور نشوی؛ زیرا که آن عالم، محل کشف باطن و ظهور سَریره است و جرئت بر معاصی، کم کم انسان را بی عزم می کند و این جوهر شریف^۳ را از انسان می رباید. استاد معظم ما حضرت آیت الله شاه آبادی علیه السلام می فرمودند: 'بیشتر

۱. آوازه‌ها و موسیقی‌های مُطرب.

۲. امام خمینی علیه السلام در کتاب آداب نماز می فرمایند: «شیخ بزرگوار، شاه آبادی (روحی فداه) از عزم و اراده به 'مغز انسانیت'

تعبیر می کردند.»

۳. عزم و اراده.



از هرچه، گوش کردن به تغنیات، سلب اراده و عزم از انسان می‌کند.»^۱

حضرت امام علیه السلام با هنر مخالف نیست؛ بلکه هنر و از آن جمله موسیقی را به‌عنوان ابزاری در خدمت ارزش‌های انسانی و اسلامی می‌ستاید؛ چنان‌که در پیامی به هنرمندان می‌فرماید: «خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت، سرمایه زوال‌ناپذیر آن‌گونه هنری است که باید به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیباپسند طالبان جمال حق را معطر کند... هنر در مدرسه عشق، نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. هنر در عرفان اسلامی، ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف و تجسیم تلخ‌کامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود، تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون

۱. روح‌الله خمینی، چهل حدیث، ج ۱، ص ۸.

فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می‌برند...»^۱

ایشان در موقعیت‌های گوناگون، با تشبیه موسیقی به مواد مخدر، ترویج آن را نقشه دشمنان برای سلطه فرهنگی و سیاسی می‌دانند: «از جمله چیزهایی که مغزهای جوان را مخدر می‌کند و تخدیری است، موسیقی است. موسیقی اسباب این می‌شود که مغز انسان وقتی چندوقت موسیقی گوش کرد، تبدیل می‌شود به یک مغز غیر آن کسی که جدی باشد. از جدیت، انسان را بیرون می‌کند و متوجه می‌کند به جهات دیگر. تمام این وسایلی که درست کرده بودند، همه برای خاطر این بود که ملت را از مقدرات خودشان غافل کنند... دیگر نمی‌توانند یک انسان جدی باشند که بتوانند در مسائل سیاسی فکر بکنند... نمی‌تواند به این فکر کند که در کشورش چه می‌گذرد؛ مثل یک آدم هروئینی است.»^۲

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ۳۰ شهریور ۱۳۶۷.

۲. صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۹۷ تا ۲۰۱ و ج ۹، ص ۱۱۵.



۲.۱۰. علامه محمدتقی جعفری

«محققان و دانشمندان پرکار و متتبع، دربارهٔ موسیقی به حد لازم و کافی به مطالعه و بررسی پرداختند و در نتیجه، به دلیل و شواهد قانع کننده‌ای دست نیافتند که ضرورت یا شایستگی موسیقی را بدون ضرر روانی اثبات کنند. پس نتیجهٔ منطقی که ما به آن روبه‌رو هستیم، عبارت است از احساس لذت از پدیده‌ای به نام موسیقی با احتمال ضرر روانی و ضرر نافرمانی در مقابل تعهد تکلیف الهی که به دنبال خواهد داشت.»

برای مطالعه بیشتر:

۱. موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، محمدتقی جعفری، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۲. انسان، غنا، موسیقی، احمد شرفخانی خویی، قم، انتشارات مشهور.
۳. احکام موسیقی، سید مجتبی حسینی، قم، دفتر نشر معارف.
۴. موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام، محمد اسماعیل نوری، قم، بوستان کتاب.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.